

تعاون

مشارکت متعادل

در اقتصاد

گفت و گو با مهندس یزدانی - معاون کارآفرینی و اشتغال وزارت تعاون



بخش تعاون را می توان ابزاری در جهت متعادل نمودن حضور بخشهای خصوصی و دولتی در اقتصاد دانست چرا که در واحدهای تعاونی برخلاف بخشهای خصوصی و دولتی کلیه نیروها در سودهای حاصل از آن فعالیت ذینفع هستند. براساس سیاست های ابلاغ شده، بخش تعاون باید با محوریت اشتغال و فقرزدایی توسعه پیدا کند و این توسعه باید حالت جهش وار داشته باشد چرا که سهم تعاون تا سال ۱۳۹۴ باید به ۲۵ درصد از تولید ناخالص ملی برسد. این سهم در حال حاضر ۵ درصد تخمین زده می شود و اگر قرار باشد تا سال ۱۳۹۴ به ۲۵ درصد برسد نیاز است که بیش از ۷۰ درصد از فعالیت ها قابل واگذاری دولت به بخش تعاون و اگذار شود علاوه بر آن بالغ بر ۳۰۰ هزار میلیارد تومان با نرخ ثابت سال ۱۳۸۱ سرمایه گذاری در این بخش صورت گیرد در همین چارچوب وزارت تعاون با همکاری سازمان مدیریت و برنامه ریزی، سند ملی توسعه بخش تعاون را تدوین نموده اند که بزودی ابلاغ می شود. این سند برای دوره ای ۴ ساله است و پیش بینی شده که ۶۷ هزار میلیارد تومان سرمایه گذاری با نرخ ثابت صورت بگیرد. در همین راستا و با موضوع اشتغال و نقش وزارت تعاون در این عرصه گفتگویی را با مهندس یزدانی معاون کارآفرینی و اشتغال وزارت تعاون انجام داده ایم آنچه می خوانید حاصل گفتگوی ما با ایشان است.

در مورد شرح وظایف معاونت کارآفرینی و اشتغال وزارت تعاون و تعامل آن با دیگر دستگاه ها توضیح دهید.

حوزه فعالیت این معاونت در واقع فراتر از معاونت یک وزارتخانه است چرا که این معاونت با دیگر واحدها در ارتباط بوده و نقش پیگیری کننده و مطالبه کننده دارد و کمتر فعالیت اجرایی انجام می دهد. محور کار معاونت کارآفرینی وزارت تعاون پیگیری اعمال سیاستهای کارآفرینی و اشتغال در بخش تعاون است. سیاست جذب کارآفرینان، ایجاد بانک اطلاعاتی کارآفرینان، بانک اطلاعات طراحی و IT، نظامهای اجرایی مالی و اعتباری بنگاهها، و در مجموع سیاستگذاری و پیگیری نتایج آن از وظایف این معاونت است و در اجرای فعالیت ها دخالتی ندارد.

وزارت تعاون در توسعه اشتغال چه نقشی می تواند داشته باشد، در حالیکه نگاههای کوچک و زودبازده برای فعالیت مشکلات متعددی دارند آیا بخش خصوصی و تعاون می تواند استمرار حرکت داشته باشد؟

در مورد نقش وزارت تعاون در توسعه کارآفرینی و اشتغال باید خدمتان عرض کنم که این نقش به چند دسته تقسیم می شود:

● مأموریت وزارت تعاون، توسعه بخش تعاونی در جهت تحقق اهداف آن است. مهمترین هدف بخش تعاونی - بنا به بند (۲) اصل ۴۳ قانون اساسی نیز بنا به سیاستهای کلی اصل ۴۴ قانون اساسی - گسترش تعاونها با هدف توسعه اشتغال کسب و کارمدارانه (توسعه کارآفرینی و نیز فقر زدایی است.

● بین سرمایه داران و کارآفرینان کشور، فرهنگ فرادگرایی و شریک گریزی حاکم است و بین سایر اقشار جامعه نیز فرهنگ دولت گرایی، استخدام شدن، فرار از ریسک و کسب و کار ریسک پذیر حاکمیت دارد. این دو معضل فرهنگی از موانع اصلی اشتغال در کشورند و هدف وزارت تعاون، شکستن این فرهنگ و باز کردن راه برای حضور همه مردم در کسب و کارها در قالب تعاونیهاست؛ که از طریق گسترش فرهنگ مشارکت و کارآفرینی صورت می گیرد.

● تفاوت اشتغال در بخش تعاونی با اشتغال در سایر بخش ها، در مالکیت و مدیریت است. در تعاونیهای موسوم به تعاونیهای کار یا تعاونیهای اشتغال، مالکیت و مدیریت و سود حاصله و بطورکلی اختیار بنگاه در ید شاغلان آن است؛ در حالیکه در بخش های دولتی و خصوصی، شاغلان، صرفاً حقوق

بگیرند.

● اگر مردم را از دیدگاه اشتغال به چهار دسته زیر تقسیم کنیم:

- الف. بیکاران جویای کار
- ب. مزد و حقوق بگیران
- ج. خوداشتغالان و کارفرماهای خرد و کوچک
- د. کارفرمایان بزرگ بخش تعاون بر اساس اصل توجه به جامعه (یکی از اصول تعاونها) و با هدف ایجاد، حفظ و توسعه اشتغال در هر چهار دسته خود را مسئول می دانند که برای هر مورد، تعاونی خاص خود را ترویج و راه انداز می کند که البته اینکار توسط وزارت تعاون انجام می شود.
- الف. برای بیکاران جویای کار، تشکیل تعاونی با هدف راه اندازی کسب و کار برای آنها به نحوی که خودشان مالک، شاغل و تصمیم گیر اصلی در آن باشند.

ب. برای مزد و حقوق بگیران، تشکیل تعاونی با هدف مشارکت دادن آنها در مالکیت و مدیریت بنگاه های اقتصادی و نیز افزایش قدرت خرید و تامین نیازهای معیشتی آنان.

ج. برای بنگاه های اقتصادی کوچک و متوسط و حرف و مشاغل خصوصی، تشکیل تعاونی با هدف ایجاد همبستگی بین آنها در جهت ارتقاء رقابت پذیری آنها در بازارهای جهانی

د. در بنگاه های اقتصادی بزرگ، تعاونی برای کارکنان آنها به منظور گسترش مالکیت، ایفای نقش در مدیریت، کاهش فاصله کارفرما - کارگر و بطور کلی ارتقاء بهره وری در این بنگاه ها؛ و نیز تشکیل تعاونی های بزرگ با هدف گسترش مالکیت و کارفرمایی همه مردم که در آن شاغلان و نیز مصرف کنندگان و دادوستدکنندگان با آن بنگاه ها، تصمیم گیران اصلی آنها باشند.

● در سند ملی توسعه بخش تعاونی، در ارتباط با اشتغال، اهداف کمی زیر تعیین گردیده است:
الف. ایجاد ۲۴۲۰ هزار فرصت شغلی طی برنامه چهارم توسعه مشتمل بر:

* تعداد ۱۳۷۰ هزار فرصت شغلی در قالب تعاونیهای تولیدی و خدماتی اشتغال (مالکیت و مدیریت شاغلان تعاونیها)

* تعداد ۳۷۰ هزار فرصت شغلی در قالب تعاونیهای متشکل از بنگاه های کوچک و متوسط و حرف و مشاغل خصوصی

* تعداد ۶۸۰ هزار فرصت شغلی در قالب تعاونیهای تامین نیازهای معیشتی و سرمایه گذاری حقوق بگیران ب. ارتقاء سهم بخش تعاونی در اشتغال - طی دو برنامه چهارم و پنجم توسعه کشور - به حداقل ۲۵ درصد از شاغلان کل کشور

ج. ایجاد ۳۵۵ هزار فرصت شغلی از طریق بیش از ۲۰ هزار شرکت تعاونی طی سال ۱۳۸۵ اما مشکلی که در اقتصاد کشور وجود دارد فرهنگی است که توسط دولت در گذشته در کشور بوجود آمده است. در کشور ما دو فرهنگ وجود دارد اول اینکه سرمایه دارها مایل نیستند شریک داشته باشند و غالباً روحیه فردگرایی دارند. این درحالی است که در جهان کنونی روحیه سرمایه داران اینگونه نیست و یک فرد کارآفرین که بنیاد یک موسسه یا شرکتی را بنا نهاده شاید سهمی کمتر از ۳ الی ۴ درصد داشته باشد ولی در کشور ما بانی یک شرکت دوست دارد که بیشترین سهم را داشته باشد و قدرت مطلق از آن او باشد. فرهنگ دیگری که در کشور ما وجود دارد و شاید علت آن به گذشته تاریخی ما بازگردد این است که سرمایه داران همواره از دولت دوری می کنند؛ شاید دلیل آن این باشد که در تاریخ گذشته، حکومتیهای از بیرون از کشور وارد مرزها شده و بر ما حکومت می کردند و فرهنگ مردم و کسب و کار این گونه شکل گرفته که از دولت دوری کنند لذا افراد سرمایه دار بطور سنتی سراغ مشاغلی می روند که با دولت سروکار نداشته باشد، ضمن این که اگر دولت تمام دستورها را نیز برای آنها فراهم کند باز هم سرمایه دار حاضر نیست باسهم ۲ الی ۴

فرهنگ دیگری که در کشور ما

وجود دارد و شاید علت آن به

گذشته تاریخی ما بازگردد این

است که سرمایه داران همواره

از دولت دوری می کنند؛ شاید

دلیل آن این باشد که در

تاریخ گذشته، حکومتیهای از

بیرون از کشور وارد مرزها

شده و بر ما حکومت می

کردند و فرهنگ مردم و کسب

و کار این گونه شکل گرفته

که از دولت دوری کنند لذا

افراد سرمایه دار بطور

سنتی سراغ مشاغلی می

روند که با دولت سروکار

نداشته باشد

درصد کار کنند. به دلایل یاد شده در کشور ما تجارت بسیار بیشتر از تولید رشد کرده است و این مقوله به طور سنتی در کشور ما نهادینه شده است. مورد فرهنگی دیگری که در قشر متوسط و ضعیف جامعه ما وجود دارد این است که آنها همواره به دنبال استخدام و حقوق بگیرگی بوده و پیگیر فعالیت کسب و کار نیستند و باتوجه به بزرگ بودن دولت اکثراً دوست دارند در دولت شاغل شوند. بحث آب باریکه و حقوق سر ماه از همین تفکر نشأت می گیرد. هدف وزارت تعاون خصوصاً پس از ابلاغ سیاستهای کلی اصل ۴۴ قانون اساسی توسط مقام معظم رهبری مدظله العالی این بوده که این فرهنگ را بشکنند و راه را برای کسب و کار باز کنند. برای نیل به این هدف ابتدا باید دولت کوچک شود که این کوچک سازی به دو روش میسر است اول اینکه فعالیت هایی که مشمول صدر اصل ۴۴ نبوده است و براساس آن دولت از اول نباید وارد آن فعالیتهای می شد، به بخش های تعاونی و خصوصی عمومی غیردولتی واگذار شود و همچنین دولت باید تصمیم بگیرد و از این به بعد وارد این فعالیت ها نشود. دوم اینکه انجام برخی فعالیت های صدر اصل ۴۴ توسط بخش های غیردولتی مجاز می شود مثل مالکیت و مدیریت در صنایع و معادن بزرگ، راه و راه آهن، هواپیمایی، کشتیرانی، بانکداری و بیمه. البته در این زمینه باید توجه شود که بخشهای خصوصی و تعاونی از تجربه چندان برای فعالیت در این عرصه ها برخوردار نیستند. در سیاست های ابلاغی تاکید شده که سهم بهینه بخش های دولتی و غیردولتی را قانون تعیین کند.

درواقع باید محدوده کوچک سازی دولت تعریف گردد که به چه میزان باید انجام گیرد، گفته شده فعلاً از ۴۰ درصد تا ۸۰ درصد دولت در اقتصاد نقش دارد که البته اگر حضور دولت در حد ۸۰ درصد باشد فاجعه بار خواهد بود. شما اگر اقتصاد کشور را یک شرکت سهامی بزرگ بدانید و دولت ۸۰ درصد سهم داشته باشد بدیهی است که نقش دیگر بخشها یعنی خصوصی و تعاونی در آن بسیار کم رنگ خواهد بود و طبیعتاً نقشی در تصمیم گیری ها ندارند، لذا باید سهم دولت به اندازه ای کاهش یابد که دیگر بخشها احساس موثر بودن در مدیریت اقتصادی کشور را داشته باشند. توجه داشته باشید بسیاری از بنگاه های کوچک و متوسط وابستگی مستقیم به صنایع مادر و بزرگ را دارند و آنها محصول نهایی را تولید می کنند. این بنگاه ها (کوچک) درواقع تنها ظاهرشان خصوصی است لکن عملاً مدیریت شان تحت اراده بنگاه های بزرگ قرار دارد. چرا که اگر احتیاجاتشان توسط بنگاهها و صنایع بزرگ برطرف نشود قادر به فعالیت نخواهند بود و بنگاه های بزرگ به هر شکل که بخواهند با این بنگاهها برخورد می نمایند که این نوعی برده داری است. اگر در گذشته بردهها کار می کردند و درازای آن غذا می گرفتند لذا افراد تحت عنوان استخدام یا گرفتن پول آن و در حد اصطلاحاً بخور و نمیر امورات خود را می گذرانند و امروزه نیز ممکن است تحت عنوان کسب و کارهای کوچک چنین نقشی را بیایند لذا باید به این نکته نیز توجه داشت که نباید نقش دولت خیلی هم کم رنگ شود چون ممکن است موجب بوجود آمدن انحصار در

در سالهای گذشته یکی از

مشکلاتی که وجود داشت

این بود که با تغییر دولتها

سیاست ها نیز عوض

می شد و باتوجه به اینکه

برای ایجاد امنیت

سرمایه گذاری باید ثبات

قانون باشد وجود داشته

لذا در اصلاحیه قانون

اساسی پیش بینی شده

که سیاستهای کلی نظام

را مقام معظم رهبری

مشخص می کنند و به این

ترتیب با تغییر دولتها

سیاستهای کلان دچار

تغییر نمی شوند.

بخش خصوصی بزرگ و به تبع آن برده داری نوین شود. بحث دیگر سیاست ها، این است که بخش تعاونی باید با محوریت اشتغال و فقرزدایی توسعه پیدا کند. توسعه بخش تعاون باید جهش وار باشد و گفته شده که سهم تعاون تا سال ۱۳۹۴ باید به ۲۵ درصد از تولید ناخالص ملی برسد. این سهم در حال حاضر ۵ درصد تخمین زده می شود و اگر بخواهیم تا سال ۱۳۹۴ به ۲۵ درصد برسد باید بیش از ۷۰ درصد فعالیتهای قابل واگذاری دولت به بخش تعاون منتقل شود. علاوه بر این بالغ بر ۳۰۰ هزار میلیارد تومان با نرخ ثابت سال ۱۳۸۱ باید در بخش تعاون سرمایه گذاری صورت بگیرد. در این چارچوب وزارت تعاون با سازمان مدیریت و برنامه ریزی مشترکاً سند ملی توسعه بخش تعاون را تدوین نموده اند که بزودی ابلاغ می شود البته این سند صرفاً برای برنامه چهارم تدوین شده اگرچه عملاً برای دوره ای ۴ ساله است. در این سند پیش بینی شده که ۶۷ هزار میلیارد تومان سرمایه گذاری با نرخ ثابت صورت بگیرد که این مبلغ معادل حدوداً ۳۷/۵ درصد از کل سرمایه گذاری کشور در ۵ سال است. بر این اساس پیش بینی شده ۲ میلیون و چهارصد و بیست هزار فرصت شغلی در این ۵ سال ایجاد شود و ۱/۵ میلیون واحد مسکونی ساخته شده و تحویل اعضای تعاونی های مسکن داده شود. سند یادشده مشخص کرده که بخش تعاون در کجاها حضور پررنگ تری داشته باشد. بدیهی است که برنامه و سیاست هایی که تعاون در نظر گرفته، مسیری است که همه را حمایت می کند.

منظور این است که مردم با عضویت در تعاونی ها دخیل در بنگاه های کوچک و بزرگ می شوند و کارکنان عضو بنگاه های بزرگ و تعاونی در سود محصولی که تولید می شود و حتی در مدیریت آن سهم شوند. ضمن اینکه دولت نیز راضی است چراکه سرمایه گذاری دولت نیاز به حجم عظیم منابع بودجه ای ندارد چون مردم این سرمایه گذاری را انجام می دهند. از طرفی به علت ذینفع بودن مردم در این سرمایه گذاریها امنیت ملی افزایش پیدا می کند. در چنین شرایطی حساب و کتابهای تیم ها نیز شفاف خواهد بود چرا که سهامداران که مردم نیز جزو آنها هستند پیگیری و ناظر بر شناخت این حسابها خواهند بود. در مجموع در شرایط فوق الذکر بحث کارآفرینی و اشتغال بطور موثرتری انجام می شود.

سیاستهای کلان دولت در جهت کارآفرینی و حضور پررنگ تر بخش خصوصی در اقتصاد چیست؟

در سالهای گذشته یکی از مشکلاتی که وجودداشت این بود که با تغییر دولتها سیاست ها نیز عوض می شد و باتوجه به اینکه برای ایجاد امنیت سرمایه گذاری باید ثبات قانون باشد وجود داشته لذا در اصلاحیه قانون اساسی پیش بینی شده که سیاستهای کلی نظام را مقام معظم رهبری مشخص می کنند و به این ترتیب با تغییر دولتها سیاستهای کلان دچار تغییر نمی شوند. خود این به معنای ثبات سیاست ها می باشد. مقام معظم رهبری برای تدوین این سیاست ها از مجمع

تخصیص مصلحت نظام مشورت می گیرند و این مجمع نیز که تقریباً اعضای آن شامل کلیه گروه های سیاسی موثر می شود سیاست های کلی را در امور مختلف به ایشان پیشنهاد می کند. در بند الف اصل ۴۴ قانون اساسی وقتی اشاره شده که دولت حق وارد شدن به مسائلی که خارج از اصل ۴۴ باشد را ندارد. این دستورالعملی محکم است البته باید توجه داشت که باتوجه به این که دولت جنبه حاکمیتی دارد حق مداخله خواهد داشت. در بحث اقتصاد خصوصی اگر به کشورهای اروپایی توجه کنید دولتها ضمن آنکه نقش و تاثیر بالایی در اقتصاد دارند ولی اقتصادشان دولتی نیست. در واقع دولت خود خواسته است که بخش های غیردولتی فعال شوند ولی در کشور ما این خواسته وجود نداشته است. البته در دوره جنگ شاید امکان پذیر نبود ولی بعد از آن که بحث خصوصی سازی مطرح شد دو مساله وجود داشت یکی اینکه افرادی که می خواستند خصوصی سازی بکنند خود جزو دولتماندان بودند ولی مدیران بنگاه هایی که قرار بود خصوصی بشوند این میل را نداشتند به همین خاطر خصوصی سازی با مشکل رو به رو شد و تبعات منفی نیز داشت. ازجمله اینکه سرمایه گذاران به دنبال بی تجارت بودند و یا رانت و گرته به دنبال سرمایه گذاری در معنای واقعی نبودند. باید توجه داشت که تا نقش دولت در اقتصاد کم رنگ نشود فضای باز ایجاد نمی شود، از دیگر فاکتورهای لازم برای سرمایه گذاری مربوط به امنیت سرمایه گذاری است ازجمله عوامل عدم ارائه سرمایه گذاری کلی کلان در کشورمان وجود شرایط مختلفی ازجمله بحث اسرائیل، عراق و موضوع انرژی هسته ای می باشد. اگرچه ما با دیپلماسی فعال در حال حل کردن این موضوعات هستیم ولی آنچه که مسلم است ما نمی توانیم از خط قرمزی که در این زمینه وجود دارد عدول کنیم لذا سرمایه گذاران بزرگ در این بستر و این شرایط منطقه ای سرمایه گذاری نمی کنند. با سیاستهایی که ابلاغ شده خصوصا دولت نهم اراده کرده که دیگر خودش سرمایه گذاری نکند مثلا اگر قرار است در بخش فولاد تولید به ۲۸ میلیون تن برسد شرکت ملی فولاد نباید خود این کار را بکند بلکه حتما باید بخشهای خصوصی و تعاونی نقش اصلی را داشته باشند و دولت حداقل سرمایه گذاری را در آن داشته باشد. در فعالیت های بزرگ که ما نیاز داریم سرمایه گذاری انجام گیرد کسی سرمایه گذاری نمی کند مگر اینکه شما امتیازهای بسیاری را بدهید به ویژه به خارجی که در این صورت نیز آن سرمایه گذاری توجیه اقتصادی نخواهد داشت. در چنین شرایطی وقتی دولت هم اراده کند که سرمایه گذاری نکند بطور طبیعی راه باز می شود تا مردم عامه سرمایه گذاری کنند. مردم هم که دو دسته اند، دسته اول افراد سرمایه دار که گفتیم سرمایه گذاری گسترده نخواهند کرد، دسته دوم قشر متوسط؛ وارد سرمایه گذاری می شوند. کارکرد تعاونیها تجمیع سرمایه گذاری قشر متوسط است به همین دلیل است

که می گوئیم تعاون تنها گره گشای کسب و کار و اشتغال است. خوشبختانه عملکرد دولت نهم محدود کردن سرمایه گذاری های دولتی از یک سو و تاسیس موسسات تعاونی از سوی دیگر است و سیاست اختصاص منابع ارزی شبکه بانکی کشور برای سرمایه گذاری در قالب بنگاه های کوچک کارآفرین و کاهش تدریجی نرخ بهره بانکی، همه سیاست هایی است که موجب رونق بخش های تعاونی و خصوصی خواهد شد.

■ به نظری رسد که در کشور ما کار گروهی کمتر انجام می شود و افرادی هم که بطور گروهی کار می کنند به مرور به خاطر تفاوت افکار مقدارشان کم می شود و در نهایت بطور انفرادی کار می کنند. باتوجه به این موضوع شاید در تعاونی ها نیز بهره وری بطور کامل وجود نداشته باشد. در دیدگاه کلان این موضوع را چگونه ارزیابی می کنید؟

در دنیا هم فرهنگ هم گرای یک شبه به وقوع نپیوسته است بلکه شاید از ۱۵۰ تا ۲۰۰ سال طول کشیده تا این فرهنگ نهادینه شده است. رشد این فرهنگ در کشورهای اسکانندیناوی مثل سوئد و نروژ بسیار بیشتر بوده است و تاریخ نشان می دهد که رشد تعاونی ها در این کشورها بالاتر بوده است و اتفاقا وضعیت رفاه مردم نیز مطلوب تر است که این نتیجه امری طبیعی است. شاید در حال حاضر بطور مشخص سایر تعاونی ها را در این کشورها احساس نکنید چون مردم فراقرفته اند که سراغ کارهای جمعی بروند. برای فعالیتهای بزرگ این روش در دنیا جواب داده است. دلیل آن هم این است که برای فعالیت بزرگ با سرمایه کوچک که نمی شود کارکرد لذا باید شریک زیادی داشته باشد و شرکای فراوان هم مجبور به تفاهم هستند. وقتی این اجبار چند سال طول بکشد تبدیل به فرهنگ می شود. البته در واحدهای کوچک و متوسط این فرهنگ کمتر احساس می شد چون متولیان سعی می کنند طوری این واحدها را راه اندازی کنند که با سرمایه یکی دو نفر قابل اجرا باشد. وقتی فرهنگ جمع گرایی نهادینه می شود که پس از یکی دو بار اتفاق افتادن نتیجه مطلوب آن دیده شود این نتیجه بطور طبیعی حکم می کند این ذهنیت که همواره می گوید شراکت خوب نیست لاقال در این مورد صدق نکند و چون همه منفعت طلب هستند و به خاطر منافع خود این شراکت را می پذیرند. قاعدتا پس از ۲۰ سال این فرهنگ به نسل جدید نیز منتقل می شود. و این از وظایف وزارت تعاون است که زمینه ای را فراهم کند که بنگاه های کوچک با ایجاد تعاونیها بتوانند فعالیت گسترده تری داشته باشند و به سود برسند. بنگاههای کوچک به تنهایی توان انجام برخی کارها را ندارند آنها می توانند با حفظ شخصیت حقوقی خود و با شراکت چند بنگاه یک واحد تعاونی را بوجود آورده و برای رفع نیازهای

مشترکشان تلاش کنند که مدیریت صحیح این تعاونی در رسیدن به موفقیت از اهمیت بسزایی برخوردار است.

■ چه تفاوتی بین بنگاه های اقتصادی کوچک و بزرگ و تعاونی ها وجود دارد؟

همانگونه که گفتیم بخش دولتی که قابل گسترش نیست لذا باید بنگاه های خود را واگذار نماید اگر بخواهد این بنگاه ها را در قالب شرکت های سهامی عام و قانون تجارت واگذار کند به معنای این است که یک عده ای می توانند با درصد کمی سهم حاکمیت مدیریتی بر اکثریت سهامداران پیدا کنند به این صورت که مثلا ۱۰ درصد را به یک نفر واگذار نمایند و ۹۰ درصد باقیمانده را در ارقام کمتر از ۱۰ درصد و بصورت خرد واگذار نماید. وقتی مجمع تشکیل می شود آنکه سهام بیشتری دارد حاکمیت بر جمع و تصمیم گیری ها دارد و اصولا افرادی که درصد سهامشان بسیار پایین است به دلایل مختلف لزومی برای حضور در مجمع را نمی بینند در مجموع سهامداران بزرگ تر باتوجه به میزان سهام خود حرف اول را در این مجامع می زنند. در حالت دیگر یک کارآفرین با مقدار اندکی سهام، موسس یک شرکت بزرگ می شود و چون می خواهد همواره خودمحور باشد اساسنامه را طوری می نویسد که با درصد میزان سهام خودش همواره قدرت مطلق را داشته باشد که از همین روش بسیاری از کارآفرینان بزرگ رشد کرده اند ولی در تعاونیهای سهامی علم این اتفاق نمی افتد که اقلیتی بر اکثریتی حاکمیت پیدا کنند چرا که اولاً مجامع دو مرحله ای برگزار می شود. به این شکل که اگر سهامداران در کل کشور پراکنده باشند در هر منطقه نمایندگان آنها تعیین و برای حضور در جلسه مجمع عمومی انتخاب می شوند و مثلا از ۱۰۰ هزار نفر سهامدار ۱۰۰ نفر مجمع اصلی را تشکیل می دهند و در این شکل نمایندگان سهام ۱۰ هزار نفر شرکت داشته اند. مثال این تعاونیها شرکتهایی چون تویوتا و میتسوبیسی ژاپن است که در آنجا اولاً سهامدار شدن سقف معینی دارد و ثانیاً افراد نه به میزان سهام خود بلکه به واسطه عملکردشان دارای حاکمیت در آن تیم می شوند. حسن تعاونیها این است که مانند بنگاههای بزرگ اقتصادی اختیار نزد یک یا چند نفر نیست و کلیه اعضا در تعاونیها صاحب قدرت هستند. این نکته حائز اهمیت است که اگر افرادی چنان رشد کنند که بزرگترین واحدهای اقتصادی را در اختیار داشته باشند در واقع در کل کشور تاثیرگذار بوده و مانند کشورهایی چون آمریکا و غرب افراد سرمایه دار در قدرت سیاسی نیز تاثیر گذاشته و در انتخاب افراد سیاسی دخالت می کنند. بدیهی است که چنین افرادی آزادی عمل به زیردستان نخواهند داد. مطالبی که تا اینجا بیان کردم تفاوت بنگاههای بزرگ و کوچک با تعاونیها بود. باین توضیحات اگر دولت بخواهد تسهیلاتی بدهد یا از ابزارهای تشویقی استفاده کند طبعاً این امتیاز را برای شرکتی در نظر می گیرد که حالت تعاونی داشته و کلیه افراد فعال در آن در سود اقتصادی آن سهمیه باشند چرا که اساسا تسهیلاتی که دولت پرداخت

می کند متعلق به توده مردم می باشد و لذا سود آن نیز باید عاید جمع شود.

■ اگر رویکرد دولت به سمت حمایت از بخشهای خصوصی و تعاون باشد ولی به موازات آن قوانین دست و پاگیر مشکل بوجود آورند. در این مورد هماهنگی چگونه باید انجام شود؟

در سیاستهای اصل ۴۴ این موارد دیده شده است و در واقع مانند بسته ای است که ضمن وجود حمایت از واحدهای خصوصی و تعاونی و کوچک سازی دولت بحث قوانین و مقررات نیز در آن مطرح است. این موضوعی صحیح است که براساس باز شدن فضای کسب و کار در کشور باید مشکلات قوانین و مقررات مرتفع شود. بنده با ذکر مثالی این موضوع را روشن تر می نمایم. سازمان گسترش و نوسازی صنایع طی پرسشنامه ای از صاحبان صنایع و بنگاههای اقتصادی خواسته بود که موانع رشد صنعت و تولید را بیان نمایند. در نتیجه این نظرسنجی آمده بود که ۷۲ درصد قانون کار را به عنوان مانع بیان کرده بودند، ۶ درصد مالیاتها و ۸۴ درصد عدم ثبات در قوانین را بعنوان مشکل مطرح کرده بودند. البته مشکلات ذکر شده به تدریج در حال رفع شدن هستند. در مورد مالیات در ۱۰ استان توسعه نیافته کشور فعالیت بنگاههای اقتصادی تا ۱۰ سال از مالیات معاف است، در دیگر استانها نیز حداقل تا ۴ سال از مالیات معاف می باشند. در مشکلات قانون کار خواهد کاست. در بحث مالیات ها نکته نگران کننده، تبعیض بین بنگاه های صادق و غیرصادق است به نحوی که بنگاه های دارای بخش کشاورزی هم که اصولا مالیات دریافت نمی شود و بیشترین مالیات از بخشهای تجاری و خدماتی دریافت می شود که در بخش خدمات نیز از بخش تجاری خدماتی بیشتر مالیات اخذ میشود. در مورد ثبات قوانین، با ابلاغ سیاست های کلی از سوی مقام معظم رهبری وضع بهتر خواهد شد. توجه نمایید که در بخش تعاون به شرط رعایت ضوابط تعاونی، دعوای قانون کار وجود ندارد چرا که کلیه افراد با هر سمتی در سود و زیان آن فعالیت سهیم هستند. بنابراین گسترش تعاونیها از عملکرد شفاف، مالیات می دهند لکن سایر بنگاه ها فرار مالیاتی دارند و این نوعی رانت برای آنهاست. البته بحث مالیاتی مربوط به واحدهای مشمول مالیات است در هر حال امپواریم که این معضل رفع گردد.

صرف نظر از این مشکلات، مهمترین مشکلات در سرمایه گذاری است که نرخ بهره بانکی و دسترسی آنان به منابع مالی بانکها و موسسات اعتباری یا شرکت خارجی از جمله آنهاست و با رویکردهای دولت نهم، افق روشنی بیش روی ماست. مراحل و زمان صرف شده برای دریافت مجوز فعالیت ها و زمان صرف شده برای تاسیس یک شرکت، از جمله مشکلات دیگری است که البته در بخش تعاونی کمتر از بخش خصوصی می توانند عرض اندام کنند.